

اخلاق جنسی

در شماره گذشته بحث مختصری در اطراف عقیده رائج جهان قدیم به پابندی و ناپاکی روابط جنسی مطلقاً، و تأثیر سوء عمیق این عقیده در آشفته ساختن ضمیر بشر ایراد شد و به منطبق عالی آئین خدائی اسلام نیز در این زمینه اشاره کردیم و وعده دادیم در این شماره آراء و عقاید مفکرین جدید را در این زمینه که درست در نقطه مقابل اسلاف خودشان است مورد بحث و تحقیق قرار دهیم.

اخلاق جنسی قسمتی از اخلاق بمعنی عام است، شامل آن عده از عادات و ملکات و روشهای بشری است که باغریزه جنسی بستگی دارد.

حیاء زن از مرد، غیرت ناموسی مرد، عفاف و وفاداری زن نسبت بشوهر، ستر عورت، ستر بدن زن از غیر محارم، منع زنا، منع تمتع نظری و لمسی از غیر محارم قانونی، منع ازدواج با محارم، منع نزدیکی با زن در ایام عادت، منع نشر صور قبیحه، تقدس یا پابندی مجرد جزء اخلاق و عادات جنسی بشمار میروند.

اخلاق جنسی بحکم قوت و قدرت فؤاد ماده غریزه ای که این قسمت از اخلاق بشری وابسته بآنست، همواره مهمترین بخشهای اخلاقی بشمار میرفته است. ویل دورانت میگوید: «سرو سامان بخشیدن بروابط جنسی همیشه مهمترین و دلیفه اخلاقی بشمار میرفته است. زیرا غریزه تولید مثل، نه تنها در حین زواج بلکه قبل و بعد از آن نیز مشکلاتی فراهم میآورد. و در نتیجه شدت وحدت همین غریزه و فرمان بودن آن نسبت بقانون و انحرافاتی که از جاده طبیعی پیدا می کند، بی نظمی و اغتشاش در سازمانهای اجتماعی تولید می شود» (۱)

رساله عمومی

نخستین بحث علمی و فلسفی که در اینجا به میان میآید اینست که سرچشمه این اخلاق چیست؟ بطور شد که مثلاً خصیصه حیاء و خصیصه عفت دوزن پیدا شد؟ چه امر در مورد زن خود غیرت مورد زود؟ آیا این غیرت همان حسادت معمولی است که بشر آنرا در همه جا محکوم کرد و استثناً در این یک مورد آنرا پسندیده میدانند؟ یا چیز دیگری است؟ اگر همان حسادت است

(۱) تاریخ تمدن: جلد اول؛ صفحه ۶۹.

(بقیه از صفحه ۶۶)

علت استننا چیست؟ و اگر چیز دیگر است چگونه میتوان آنرا توضیح داد؟ همچنین منشأ زشت شدن کشف عورت، فحشاء، ازدواج بیا محارم و غیره چیست؟ آیا سرچشمه اینها خود فطرت و طبیعت است؟ آیا فطرت و طبیعت برای اینکه بهدقهای خود نائل آید و یزندگی بشر که طبعاً اجتماعی است نظام بدهد این احساسات و عواطف را در بشر نهاده است؟ یا علل دیگری در کار بوده و در طول تاریخ در روحیه بشر اثر کرده تا تدریجاً جزء ضمیر اخلاقی بشر قرار گرفته است. اگر سرچشمه این اخلاق طبیعت و فطرت است چرا اقوام ابتدائی و اقوام وحشی زمان حاضر که هنوز مانند اقوام ابتدائی زندگی میکنند، این خصائص را - لااقل بشکلی که انسان متمدن دارد - ندارند؟ و بهر حال اصل و منشأ هر چه باشد و گذشته بشریت بهتر نحو بوده است، امروز چه باید کرد؟ بشر در زمینه اخلاق جنسی چه راهی را بایست پیش بگیرد که بسرمنزل سعادت نائل آید؟ آیا اخلاق جنسی قدیم را باید حفظ کرد یا باید آنرا در هم ریخت و اخلاق نوین جایگزین آن ساخت.

وکیل دورانت با اینکه ریشه این اخلاق را نه طبیعت، بلکه پیش آمدهائی که احیاناً تلخ و ناگوار و نالمانه بوده است میدانند، مدعی است که این اخلاق هر چند معایبی دارد اما چون با هر انتخاب اصح در مسیر تکامل است بهتر اینست حفظ شود. وی درباره احترام بکارت و مسئله حیا و احساس شرم میگوید: «عادات و سنن قدیمی اجتماع، نماینده انتخاب طبیعی است که انسان در طی قرون متوالی پس از گذشتن از اشتباهات پیشمار، کرده، و بهمین جهت باید گفت یا وجود آنکه احترام بکارت و احساس شرم از امور نسبی هستند و با وضع ازدواج از راه خریداری زن ارتباط دارند و سبب بیماریهای عصبی میشوند. بازه ای فوائد اجتماعی دارند و برای مساعدت در بقای جنسی یکی از عوامل بشمار میروند.» (۱)

فروید و اتباع وی عقیده دیگری دارند، مدعی هستند که اخلاق کهن را در امور جنسی باید از گون کردن و اخلاق جدیدی را جایگزین آن نمود. بعقید فروید و اتباع وی اخلاق جنسی کهن بر اساس محدودیت و ممنوعیت است و آنچه ناراحتی بر سرش آمده است از ممنوعیتها و مهر و مینها و ترسها و وحشتهای ناشی از این ممنوعیتها که در ضمیر باطن بشر جایگزین گشته، آمده است.

برتراند راسل نیز در اخلاق نوینی که پیشنهاد میکند همین مطلب را اساس قرار میدهد، او بتنبه خود در زمینه اخلاق جنسی از منطقی دفاع میکند که در آن احساساتی از قبیل احساس شرم، احساس عفاف و تقوا؛ غیرت (حسادت از نظر اد) و هیچگونه احساس دیگری از اینگونه که وی و امثال او آنها را «تابو» میخوانند وجود نداشته باشد.

معارف و معاقبیمی از قبیل: زشتی، بدی، رسوائی در آن راه نیابد، فقط متکی به عقل و

تفکر بوده باشد؛ محدودیت جنسی را فقط آتش در میپذیرد که در مورد ممنوعیتهای غذایی قابل پذیرش است. و در کتاب وجهانی که من میثنام، در فصل مربوط به اخلاق تا به در پاسخ پرسشی که از وی میشود باینکه: «آبهایچگونه پند و اندرز برای کسانی که بخوانند درباره امور جنسی خط مشی درست و عقاقلانه ای در پیش گیرند آید؟» میگوید: «... بالاخره لازم است که مسئله اخلاق جنسی را هم مانند سایر مسائل مورد بررسی قرار دهیم. اگر از انجام عملی زانی متوجه دیگران نشود دلایلی نداریم که او را متکاب آنرا محکوم کنیم...»

آنگاه در پاسخ پرسش دیگر باینکه: «بنا به عقیده شما باید هتک است را محکوم ساخت روی شما اعمال منافق عفت معمولی را چنانچه خسارتی بیارند یا در محکوم نمیکند؟» میگوید: «بله؛ همینطور است، از اله عصمت (بکارت) یک تجاوز جنسی در میان افراد است، اما اگر با مسائل اعمال منافق عفت مواجه شدیم آنوقت باید موقعیت را در نظر گرفت و ملاحظه کرد در چنین موقعیت حساس دلالتی برای ابراز مخالفت وجود دارد یا نه؟» (۱)

مادر این مقاله وارد این بحث نمیشویم که آیا احساساتی از قبیل حیا و غیره که امروز اخلاق جنسی نامیده میشوند ریشه فطری و طبیعی دارد یا ندارد، در این بحث ما منتهی در این مورد همیشه قدر میگویم این توهم پیش نیاید که واقعا علوم باقی مانده که ریشه این مسائل را بدست آورده است، آنچه در این زمینه گفته شده جز یک حدس زنی است؛ تخمین ما نیست؛ و خود فرض کنندگانها به هیچ وجه وحدت نظر ندارند، مثلا قروید منشأ پدایش احساس حیا را چیزی میداند، راسل چیزی دیگر و ویل دورانت چیز دیگر، که ما برای هر چیز از اطاله از ذکر آن با خودداری میکنیم علت اصلی تمایل این افراد به غیر طبیعی بودن این احساسات، عدم موقعیت برای توجیه صحیح این احساسات است.

ما فرض میکنیم این احساسات هیچگونه ریشه طبیعی ندارد؛ و میخواهیم مانند هر امری فرار دای دیگر بر مبنای مصالح فردا اجتماع و سعادت بشریت برای آنها تصمیم بگیریم، بینیم منطق و تعقل با جمعی گوید؟ آیا منطبق و تعقل ایجاد میکند برای باز یافتن سلامت کامل روان و برای رسیدن اجتماع به سعادت کثر سعادت تمام قیود و حدود و ممنوعیتهای اجتماعی را بشکنیم یا خیر؟ مقتضای منطق و تعقل اینست که با سنن و خرافاتی مبتنی بر پایدی علاقه جنسی مبارزه کنیم و در عین حال موجبات طغیان و عصیان و ناراحتی غریزه را بنام آزادی و پرورش آزادانه فراهم نکنیم.

طرفداران اخلاق جنسی نوین نظرات خود را بر سه اصل مبتنی کرده اند:

(۱) وجهانی که من میثنام، صفحه ۶۸ - ۶۷.

- ۱ - آزادی هر کسی تا آنجا که مخل به آزادی دیگران نباشد باید محفوظ بماند.
- ۲ - سعادت بشر در گرو پرورش تمام استعدادهاست که در وجود وی نهاده شده است، خود پرورش و پیمانهای ناشی از آن مربوط به آشفتنی غرائز است.
- آشفتنی غرائز از آنجائش می شود که میان غرائز تمییز شود، بعضی ارضاء و اشباع و بعضی دیگر همچنان ارضاء نشده باقی بمانند.
- معمولاً برای اینکه انسان بسادگی نائل آید باید تمام استعداد های او را متساویاً پرورش و توسعه داد.
- ۳ - رغبت بشر بیک چیز در اثر اقبال و اشباع کاهش مییابد و در اثر امساک و منع فرو می آید.
- گیرد برای اینکه بشر را از توجه دائم با امور جنسی و عوارض ناشی از آن منصرف کنیم بگانه راه صحیح اینست که هر گویا تقویم و تعویض را از جلو پایش برداریم و با آزادی بدیم شرارتها و کینهها و اشقامها را ناشی از اخلاق خشن جنسی است.

* * *

اینها است اصولی که اخلاق نوین جنسی را بر آنها نهاده اند در مقاله دیگری انشاء الله مواد بیشتری در این مکتب نوین را با بحث و تحقیق کافی درباره اصول سه گانه فوق مورد بررسی قرار میدهم.

مجله نوردانش

بطوریکه اطلاع حاصل کردیم متأسفانه انتشار مجله وزین نوردانش بر اثر سوء تقاضی متوقف شده است، امیدواریم هر چه زودتر رفع سوء تفاهم شده و این مجله مفید دینی مانند سابق در دسترس عموم علاقمندان قرار گیرد.